

چالش های سیاسی و اجتماعی در غربت قانون اساسی

سرمقاله

به قانون اساسی احترام بگذاریم

حفیظ الله زکی

قانون گرایی و عمل به قوانین رسمی و کوشش برای تطبیق آن یکی از مسایل مهم در حاکمیت نظم سیاسی و اجتماعی به شمار می رود. قانون اساسی بر مبنای نیازمندی های اجتماعی، سیاسی و امنیتی یک کشور شکل می گیرد و ناظر به توجیه قدرت و مشروعیت اقتدار مرکزی در جامعه است.

اگر قانون اساسی در جامعه رعایت نشود و دولتمردان، زورمندان، رهبران سیاسی و نخبگان فرهنگی خود را ملزم به رعایت قانون اساسی ندانند؛ دیگر هیچ سنگی به سنگی دیگر بند نخواهد شد و هرج و مرج سراسر جامعه را فرا خواهد گرفت و نظم اجتماعی و سیاسی برهم خواهد خورد.

در قانون اساسی افغانستان مهمترین مسأله بحث مهار قدرت سیاسی و جلوگیری از تمرکز قدرت و ثروت به دست عده ای معدود می باشد. این مسأله از آنجا اهمیت پیدا کرده که افغانستان تلخ ترین تجربیات را از ناحیه حکومت های مطلق گرا و توتالیتر داشته است. مسأله دوم که خیلی در قانون اساسی روی آن تمرکز صورت گرفته موضوع عدالت است. بی عدالتی ها و بی سروسامانی های تاریخی که قدرت، ثروت، امتیازات و امکانات ملی را در اختیار یک خاندان و یا قوم قرار می داد و نسبت به کتله های دیگر ظلم و جفا روا می داشت، سبب شد تا راهکارهایی در قانون اساسی برای توزیع عادلانه قدرت، ثروت و امکانات و امتیازات ملی پیش بینی شود و در پرتو آن تمام مردم افغانستان از فرصت های مساوی برخوردار گردند.

مسأله سوم که مورد تأکید قرار گرفته موضوع حاکمیت مردم است. در قانون اساسی اصل حاکمیت ملی از آن مردم می باشد و این حاکمیت از طریق نمایندگان مردم اعمال می شود. رییس جمهور از طریق انتخابات و با رأی مردم برگزیده می شود. پس رییس جمهور باید در تمام تصمیم گیری و سیاستگذاری ها خواست و منافع مردم را در نظر بگیرد. نمایندگان پارلمان نیز با رأی مردم انتخاب می شوند و باید در راستای منافع مردم کار کنند.

مسأله چهارم اصل حقوق شهروندی است که در فصل اول قانون اساسی به تفصیل موارد آن ذکر شده است. در این فصل توجه بیشتر بر اصل رعایت حقوق انسانی و شهروندی مردم افغانستان بدون در نظر گرفتن مسایل نژادی، قومی، مذهبی و گروهی است. در قانون اساسی همه مردم در برابر قانون یکسان اند و قانون بر همه شهروندان بدون در نظر داشت مقام و موقعیت و پشتوانه های قومی و سیاسی یکسان اعمال می گردد.

به هر حال در قانون اساسی با توجه به تجربیات تلخ تاریخی، راهکارهای جدیدی بر معیارهای تجربه شده ای بین المللی سنجیده شده است. مردم افغانستان باید از این فرصت استفاده کنند و این راهها را برای تقویت همبندی، مشارکت سیاسی، عدالت اجتماعی و استحکام پایه های نظام سیاسی می پیموند؛ اما این که پس از سیزده سال ما چقدر در این زمینه ها پیشرفت داشته ایم و چقدر به مواد و ارزش های قانونی پایبندی نشان داده ایم، گزارش ها نشان می دهد که متأسفانه تعدادی از مواد قانون اساسی تا کنون مورد تطبیق قرار نگرفته است و بسیاری از مواد از سوی خود مقامات دولتی و رهبران سیاسی و اجتماعی نقض شده است. قانون اساسی اغلب از سوی مقامات دولتی و صاحبان قدرت و ثروت نقض می شود. این افراد تطبیق قانون اساسی را چه بسا به ضرر فعالیت های غیر قانونی شان می دانند و به این خاطر در مسیر تطبیق قانون اساسی مانع ایجاد می کنند. این نشان می دهد که قانون هنوز در جامعه ما مورد پذیرش قرار نگرفته و به حیث معیار رفتار و عمل احاد جامعه قرار نگرفته است.

رییس جمهور غنی روز پنجشنبه به مناسبت تجلیل از سیزدهمین سالگرد تصویب قانون اساسی در افغانستان، از روز چهاردهم تا بیستم جدی را به عنوان هفته قانون اساسی نامگذاری کرد.

این نامگذاری گرجند یک گام مهم در راستای تجلیل و اهمیت دادن به قانون اساسی به شمار می آید؛ اما باید توجه داشت که تجلیل باید همواره با ارایه راهکارهای عملی به قانونگرایی و التزام به قوانین رسمی کشور همراه باشد.

به عنوان مثال ما سالها است از حقوق زن تجلیل می کنیم و برای تحقق حقوق زن شعار می دهیم، اما در عرصه عمل تا هنوز با مشکلات فراوانی در این زمینه مواجه هستیم. خشونت علیه زنان نه تنها کاهش نیافته؛ بلکه همه ساله گراف صعودیش را طی می کند و زنان بیشتری را در مناطق مختلف افغانستان قربانی می گرد.

این به دلیل این است که ما فقط حقوق زن را شعار می دهیم. هنوز به عمق و لایه های حقوقی و انسانی آن توجه نکرده ایم و درک درست از مسأله حقوق زن و تأثیرات آن در زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پیدا نکرده ایم. تا زمانی که این درک انسانی نسبت به زنان پیدا نشود و زنان به عنوان نیمی از پیکره اجتماع با حقوق برابر با مردان شناخته نشوند، برگزاری مراسم مجلل در هتل ها و سالن کنفرانس ها جز صرف هزینه و توجیه عملکرد های ناکام برخی نهادهای مسؤل، دستاورد دیگری به همراه نخواهد داشت. نگرانی ما از این است که تجلیل از قانون اساسی به یک بازی سیاسی و نمایشی برای سیاستبازان و دولتمداران در نیاید و این افراد سعی نکنند که با ارائه چند سخنرانی و وظایف رسمی خود را در زمینه تطبیق قانون اساسی خاتمه یافته تلقی کنند.

سیزده سال از تصویب قانون اساسی می گذرد، ما باید از خود بپرسیم که در این سیزده سال چقدر خود را به عمل به قوانین و از جمله قانون اساسی ملتزم ساخته ایم و تا چه حد به ارزش های قانون اساسی احترام می گذاریم و آن را معیار رفتارها و تصمیم گیری های خود قرار می دهیم؟

طرح این پرسش ها است که ما را به

حقایق تلخ قانون شکنی و دوری ما از عمل به قوانین، آگاه می سازد.

قانون اساسی بر مبنای نیازهای سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی جامعه تدوین می شود. در تصویب قانون اساسی نظریات مردم و اعضای جامعه در نظر گرفته می شود و بر اساس نیازهای جامعه نظام سیاسی و ساختارهای دولتی شکل می گیرد و چارچوب وظایف و صلاحیت های آنها توسط قانون تعیین می شود.

مردم افغانستان در طول تاریخ از قدرت انحصاری و خاندانی در این کشور رنج برده اند. جنگ ها، کشتارها، مهاجرت ها و تبعیض و بی عدالتی های زیادی را به خاطر حاکمیت های انحصاری در کشور تجربه کرده اند. جنگ ها و خصومت های داخلی، رسیدن به وحدت و همبندی ملی را در افغانستان ناممکن ساخته بود و هر روز بر آتش نفاق های قومی، نژادی و سمتی می افزود.

شانزده سال قبل وقتی که زمینه ای صلح، آشتی و ایجاد یک حکومت فراگیر ملی با وساطت جامعه جهانی فراهم آمد، مردم افغانستان این فرصت را غنیمت شمردند و از این تغییر استقبال کردند و امیدوار بودند که شاید نظام جدید و قانون جدید، راه جدیدی را برای مردم افغانستان بگشاید و مردم را از وضعیت نکبت بار فعلی نجات دهد.

این قانون اگرچه با ویژگیهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم افغانستان چندان سازگار نبود؛ اما قانون اساسی با نگاهی به آینده خوب و رضایت

رضا احسانی



بخش، می توانست دورنمای روشن و بهتری را برای شهروندان افغانستان رقم بزند. بنابراین قانون اساسی چندگام جلوتر از شرایطی بود که مردم افغانستان در آن قرار داشتند. قانون اساسی یک قانون نسبتاً مدرن و با ویژگی های یک جامعه مدرن و نسبتاً پیشرفته تدوین شد؛ در حالی که جامعه ما جامعه ای به لحاظ فرهنگی و اقتصادی فقیر و به لحاظ سیاسی و جامعه شناختی یک جامعه قبیله ای به شمار می آمد که با مدنیت مدرنیسم فاصله داشت و

این فاصله فرایند تطبیق و پذیرش قانون اساسی را در برخی مناطق با دشواری مواجه می کرد.

بنابراین پس از تصویب قانون اساسی یک راه پیشرو داشتیم و آن جلو بردن جامعه از حالت سستی به یک جامعه نسبتاً مدرن و پیشرفته بود، تا ویژگی های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ما بتواند بستر پذیرش مواد قانون اساسی را فراهم نماید. از اینرو ما در سیزده سال گذشته پیش از همه به فرهنگ سازی و بسترسازی برای پذیرش قانون اساسی ضرورت داشتیم و این مسأله نیز با سیاست ها، برنامه ریزی ها و فعالیت های گسترده و فشرده فرهنگی و تعلیماتی میسر می شد. حال اگر از خود بپرسیم که ما در این مدت چقدر در راستای فرهنگ سازی کار کردیم و چند در صد از سیاست ها، برنامه ریزی ها و فعالیت های ما در این زمینه اختصاص یافته است؟ پاسخ قناعت بخش در برابر این همه پرسش

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

از اینرو برنامه های فرهنگی ما به شکل راستای فرهنگ سازی کاری قابل توجهی نکرديم. برای همه ما بسیار روشن است که در عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

ما در سیزده سال گذشته در جایی ایستاده ایم که قبلاً ایستاده بودیم. ما عرصه تبلیغاتی و فرهنگی، خصوصاً دستگاه های دولتی بسیار ضعیف عمل کرده است.

مُد چگونه اشاعه می یابد؟

مارتین فورنیه/ برگردان شایسته مدنی

که توسط دستورات تبلیغاتی و فروشگاهها دستکاری شده اند؟ «از مُد چه خبر، از نگاه های جدید و سبکهای جدید چه خبر»، این عنوان مجله ال (Elle) است که در ۲۱ جنوری ۲۰۱۱ منتشر شد، مجله ای مانند نمونه های بيشمار ديگر، قصد ديكنه كردن گرايشات مختلفي را دارد. آیا مُد بر پایه ی یک بیهودگی و غریزه ی بشر است که به جامعه ی مصرفی به عنوان صاحب اختیار مطلق واگذار شده است؟

در حالی که هنوز جامعه شناسان بر روی این پدیده مطالعه می کنند، نگاه دیگری نیز در برابر ما قرار دارد. مثلاً، از نظر گیوم ارنر (Guillaume Erner)، «مُد یک هوس باز و شخصیتی مرموز و سرخود است» که قادر است فلان شیء منسوخ شده را بفروشد یا آن محصول را به ستاره تبدیل کند و طراحان مُد و سبک گرایان را در یک موقعیت ناامنی دائم قرار دهد. «راه خلاقانه ی خطرناکی است» این جمله را روزی کریستیان لکروا (Christian Lacroix) که خیاط است گفت. به نظر ارنر، «قربانیان واقعی سبک، آنهایی نیستند که ما فکر میکنیم: سبک گرایان و طراحان مُد ممکن است در میان آنها باشند، حتی اگر نتوانند به ناتوانی شان اعتراف کنند، به آشکار کردن اطمینان شان در دیکته کردن این گرایشات ادامه می دهند». قطعاً، همیشه افراد مُد را مناسب میدانند، شهادی برای تغییرات فرهنگ و اجتماعی در طول زمان است.

به گردش درمی آید. بازارهای آفریقای غربی در مناطق وسیعی به شکل بوتیک های لوکس در نیویورک، لندن، توکیو یا پاریس، گسترش یافته و به اشتباهی اشباع نشدنی امروزی ما برای لباس پوشیدن و لوازم جانبی آن و انتخاب برای آراستگی پاسخ می دهند. صنایع وابسته به مُد، ۶ درصد مصرف جهانی را عرضه می کنند، که بیش از آن اتومبیل (۴ درصد) و لوازم و خدمات ارتباطی (۳ درصد) قرار دارند.

همانطور که در آسیا، برازیل یا روسیه دیده می شود، در هر فرودگاه بین المللی بوتیک های لوکس، محل نمایش شیک ترین مارکها و دوختهایی است که اسامی شان می رسد تولیدکنندگان، متخصصان مُد و صنایع وابسته به مُد سفارش دهندگان اصلی باشند. نمایش مُد فصلی که به شکل گسترده ای توسط رسانه ها عرضه می شوند تمایلات فصل آبی را دیکته می کنند که از جمله می توان به این موارد اشاره کرد: از رنگ بژ تا رنگهای شاد برای تابستان آینده، چکمه یا کفش برای زمستان، دامن کوتاه یا دامن بلند و یسا جین البته مارک دیزل، کفش کتان یا مارک نایک یا کانورس، عطر هم شانل یا آرمانی. این مارکها در محله های شیک شهرستانها در کشورهای فقیر به اندازدی کشورهای ثروتمند وجود دارند و توسط شرکت های قدرتمندی که بر بازار تسلط دارند ترویج شده و همچنان یک بازار کاملاً تقلیدکننده را باز تولید می کنند.

آیا همه ی مصرف کنندگان مُد قربانیان سبک های مختلف در درجات کم و زیاد هستند؟ آیا آنها وابستگان قدرت هستند

چندین تَن لباس هر ساله در سراسر جهان



به هنوز هم روشی برای هویت بخشی به طبقه ای اجتماعی است.

هویت سرهم بندی شده ی جدید از هم گسیختگی بزرگی در سالهای ۱۹۶۰ به وقوع پیوست. فرهنگهای جدیدی ظاهر شد، خرده فرهنگهایی توسط نظریه پردازان مطالعات فرهنگی و شاهدان دنیای پست مدرن که در آن وارد شدیم توصیف شد. هیپی، راک، پانک، تنو پانک، تکنو، بیتنیک و ... نسل های جدید، مدعی فرهنگ خاص خودشان بودند که با سبکهای خاصشان به ویژه در موسیقی و همچنین در نگاهشان به زندگی قابل تشخیص بودند. برای پسران هم مانند دختران، لباس یک عنصر اصلی برای نشان دادن هویتشان شد. برخی از اینک سبکهای مختلف را در هم ادغام کنند، دریغ نکردند، مشغول کارهای مختلفی شدند که تمام کوشش در داشتن برجستگی برای مدهای تخصصی را به چالش کشید. جنبش تا جایی که تقویت میشد ادامه یافت. در میان طبقات متوسط، اگر برخی گروهها قابل تشخیص ماندند - گرایش به بوبو یا گرایش به بلینگ بلینگ- به دلیل اینکه مدها همزیستی داشته، به یکدیگر اضافه شده، طبق تصویر هر کدام از دیگری خلق شده، بر طبق خلق و خوی روزانه، فعالیتهایی را به شوخی می گرفتند. دیکته شدن بلندی دامن یا مدل کراوات به پایان رسید، هواخواهان هر نگاهی خوششان نباید سبک شخصی خودشان را خلق می کنند. مدها ناپدید نشدند، بلکه در انتخاب افراد و در فرهنگ خیابان ظهور میکنند که در آن گروه های اجتماعی مشارکت دارند. طرفداران راک، مشهور ستایش شده ای که در دهه ی ۱۹۵۰ ظهور کرده است، توسط زنان آشرافی زوررو شده بود، زنانی که دیگر زنان طبقه متوسط را حذف می کنند... در یک محیط ساده، از این لباسها استفاده میشد بیش از آنکه با سبکهای آوانگارد جایگزین شوند.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگ دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگ دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگ دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگ دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگ دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

ادبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷